

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران به اوتانت

دبیر کل سازمان ملل متفق

مورد تأیید و تصدیق قانون اساسی کشور ماست یعنی آزادی بیان و اجتماع و مطبوعات عملاً معلق مانده است . تمام احزاب سیاسی و سازمانهای اپوزیسیون بویژه حزب توده ایران و سازمان جبهه ملی که هوادار مشی دکتر بقیه در صفحه ۲

میراند سخنی بتفصیل بگوئیم . با این حال میخواستیم توجه شما و نیز توجه کمیسیون حقوق بشر را بواقعیاتی جلب نماییم که وضع کنونی کشور ما را روشن میکند . مردم ایران اکنون در شرایطی زندگی میکنند که تمام آزادیهای سیاسی اساسی که

به جناب آقای اوتانت دبیر کل سازمان ملل متفق آقای دبیر کل تصور میکنیم بهچوجه نیازی بآن نیست که در وصف رژیم ضد دموکراتیک که از زمان کودتای سال ۱۹۵۳ در ایران حکومت

مردم ارکان مرکزی حزب توده ایران

نامه سرگشاده

کمیته مرکزی حزب توده ایران به مجلسین شورا و سنا

بمناسبت انتخابات سگانه مجلسین و موسسات

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به سازمانهای دموکراتیک

اعتراضی بعمل آورید تا آنکه دولت ایران انتخابات غیر دموکراتیک چهارم اوت را متوقف سازد . تجربه مبارزات سالهای اخیر تأثیر و ثمربخشی افکار عمومی جهانی را در محافل خاکه ایران نشان داده است . بهمین جهت ما مطمئنیم که پشتیبانی گرانهای شما میتواند در وضع کشور ما تأثیر مساعد داشته باشد و کمک ذی قیمتی بمبارزه مردم ایران در راه استقرار آزادیهای مصرح در قانون اساسی و حقوق دموکراتیک خلق به انتخاب آزادانه نمایندگان خواهد بود .

دوستان عزیز تمنی داریم سلامهای برادرانه ما را بپذیرید . کمیته مرکزی حزب توده ایران

دوستان عزیز ! بضمیمه این نامه، نامه ای که کمیته مرکزی حزب توده ایران خطاب به دبیر کل سازمان ملل متفق و کمیسیون حقوق بشر در جنب این سازمان نگاشته است، بنظر شما میرسد. این نامه درباره تجاوزات دولت ایران علیه آزادی های سیاسی در ایران و شرایط غیردموکراتیکی است که در آن قرار است در چهارم اوت ۱۹۶۷ انتخابات مجلسین شورا و سنا و باصلاح مجلس مؤسسانی انجام گیرد که هدف آن تغییر قانون اساسی است . ما امیدواریم که شما آنچه را در امکان دارید برای دفاع از نبرد عادلانه مردم ایران و کمک بوی از طریق نشریات، اقدامات

مردم ایران شناخته شده است رسماً و علناً از جانب دولت ومأموران باصلاح انتظامی وی (سازمان امنیت و شهربانی و ژاندارمری) نقض میشود و هر گونه واکنشی از جانب مردم برای مقابله با این تجاوزات با شدت و قساوت بسابقه ای سرکوب میگردد .

برای اینکه این ادعا جنبه تجربی پیدا نکند بواقعیات غیر قابل انکار میپردازیم . گمان نیرود این نکته بر شما مجهول باشد که ابتدائی ترین و مهمترین شرط حکومت دموکراسی تساوی حقوق عموم افراد کشور در برابر قانون است . بهمین جهت است که متمم قانون اساسی ایران این حکم را در سر لوجه فصلی قرار داده که در باره حقوق ملت ایران سخن رفته است . اصل هشتم متمم قانون اساسی تصریح میکند : « اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی مساوی الحقوق خواهند بود » . خود شما بهتر از هر کس میدانید که این مهمترین اصل دموکراسی حتی بصورت ظاهر هم در کشور ما رعایت نمیشود . نه تنها قوانین از نظر محتوی همواره بسود طبقات و سیاسی واجتماعی که طبق قانون اساسی برای

آقایان نمایندگان ! شما بهتر از هر کس از جریان انتخابات مجلسین طی ۱۵ سال اخیر اطلاع دارید و بخوبی میدانید که ملت ایران کوچکترین سهمی در انتخاب شما و پیشینیان شما، که در جریان ۱۵ سال اخیر کرسیهای پارلمان ایران را اشغال کرده اند، نداشته است .

بنا بر این اگر این نامه بعنوان شما فرستاده میشود نه از آنجهت است که ما شما را نمایندگان ملت میدانیم بلکه بدان سبب است که شما بهرحال مسئولیت اشغال کرسی های پارلمان، یکی از مهمترین ارکان مشروطیت ایران را ، بگردن گرفته اید و لذا برای رسیدگی به تجاوزات دولت نسبت به حقوق مردم و اجراء اصل ۳۲ قانون اساسی مرجع دیگری باقی نمانده است .

شما بخوبی آگاهید که حکومت فردی و اسلوب ترور و ارعاب و وحشت که ملازم هر حکومت استبدادی است جائی برای بروز واقعی افکار عمومی در کشور ما باقی نگذاشته است . در واقع کلیه تضمینات فردی و حقوق سیاسی واجتماعی که طبق قانون اساسی برای

نامه سرگشاده حزب توده ایران به دولت

بمناسبت انتخابات سگانه مجلس ، سنا و موسسات

آقای هویدا نخست وزیر ! سواد نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران که در ۱۱ تیرماه ۱۳۴۶ بعنوان مجلس شورا و مجلس سنا نگاشته شده است برای مطالعه شما و هیئت وزیران ارسال میگردد .

نظر باینکه کلیه مسائلی که در این نامه مطرح گردیده مربوط باقدمات دولت است و مسئولیت کنونی دولت را شخص شما و هیئت وزیران فعلی بعهده گرفته اید ناگزیر مسئولیت انجام یا عدم انجام خواست های که در نامه سرگشاده مطرح شده است طبق اصول

۴۴ و ۴۵ متمم قانون اساسی ایران بعهده شما خواهد بود . امید است با توجه بمسئولیت خطیری که در برابر ملت ایران بگردن گرفته اید اعتراضات اصولی و قانون مطروحه در نامه سرگشاده را دقیقاً مورد مطالعه قرار داده ، از اقدام در جلوگیری از انتخابات غیرقانونی ۱۳ مرداد و برطرف ساختن محیط مختنق کنونی واستقرار آزادیهای سیاسی واجتماعی مصرح در قانون اساسی دریغ نخواهید ورزید . کمیته مرکزی حزب توده ایران

مصاحبه مخبر الاخبار با رفیق رادمش

در ۱۸ ژوئن ۱۹۶۷ خبرنگار روزنامه الاخبار چاپ بیروت مصاحبه ای با رفیق رادمش صدر بوری کمیته مرکزی حزب توده ایران بعمل آورد که در آن روزنامه به تفصیل درج شده است . اینک خلاصه ای از این مصاحبه : رفیق رادمش نخست در پاسخ سوال خبرنگار در باره بحران اخیر خاور نزدیک گفت :

تهاجم اسرائیل به کشورهای عربی که با تشجیع و پشتیبانی و کمک مادی و معنوی امپریالیستهای امریکا وانگلیس صورت گرفت یکی از توطئه های امپریالیستی است که هر وقت اینجا و آنجا با وسائل و صور مختلف بظهور می یونند . این هجوم که بخاطر برانداختن حکومت های ملی کشورهای عربی صورت گرفته با مقاومت تمام کشورها و ملل عرب روبرو شده بیش از حد امپریالیستهای امریکائی وانگلیسی را منفرد ساخته و این تازه آغاز کار است ، بعلاوه این جریان نشان داد که اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی مهمترین پشتیبان و مدافع خلقها در مبارزه عادلانه آنها هستند . حزب ما این تجاوز را محکوم نموده است و خروج نیرو های اشغالگر را از نواحی اشغالی طلب کرده است . نباید اجازه داد که چنین توطئه هائی تکرار شود . برای جلوگیری از آن وحدت ملل و کشورهای عربی و برخورداری از بقیه در صفحه ۲

در آستانه سفارش بهواشنگتن رفقا علی خاوری ، پرویز حکمت جو ، مهندس پیروزی ، معتمدی و آوانسیان را از زندان قصر به زاهدان ، برازجان ، خرم آباد ، کرمان و بندر عباس تبعید کرده اند .

به زندانیان جنوب

شبهای جنوب سوزان و دخمه زندان دلگیر است . ولی ای برادر من ، خورشید در اشکها میدرخشد و میان دلها فاصله نیست .

آری ، میان دلها فاصله نیست ، و من چه بسیار قلب هائی را می شناسم ، که در هزاران فرسنگ با هم می طپند ؛ مانند آفتاب دل دل زنان خلیج ؛ مانند آق خوین فام کویر .

براستی این افقهای ازغوانی را چه چیز چنین سرخ فام کرده است ؛ آیا خورشیدهای زیگانه ؛ و یا شعله خشم آگین انقلاب ؟

و این شعله خشم آگین انقلاب تنها بسراغ کاخها در شمال خواهد رفت ؛ بل بسراغ زندانها در جنوب نیز خواهد آمد و بنیاد فساد و استم را یکجا خواهد سوخت .

یکجا خواهد سوخت ، ای برادر من ، زیرا آن دو شاخه یک درختند و سپس شعله به آسمان خواهد تاخت و به خورشید خواهد پیوست ؛ زیرا نورها نیز همه از یک سرچشمه اند .

آری ، نورها همه از یک سرچشمه اند و پیوند دلها و سرودها و بران در غربت و باران در زندان همه از همین جاست .

شبهای جنوب سوزان است و تنهائی زندان دلگیر ؛ ولی ای برادر من ، خورشید در اشکها میدرخشد و میان دلها فاصله نیست . سپهر . ۱

مصاحبه مخبر «الاخبار» با رفیق رادمش

در جلسه همبستگی با خلق قهرمان ویتنام

کمک و پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی شرط عمده است. در داخل کشورها نیز نباید احزاب کمونیست را که پیگیر ترین مبارز علیه امپریالیستها و ارتجاع میباشند از حساب خارج نمود و بانها تکیه نکرد.

رفیق رادمش در پاسخ سؤال مربوط به روش ایران در مورد بحران خاور نزدیک گفت: بدنبال یکسلسله مشاجرات مطبوعاتی و رادیویی از چند سال پیش روابط ایران و مصر و سوریه قطع گردید و امپریالیستها کوشیدند باین اختلاف دامن زند و از آن بنفع خود استفاده نمایند، بهمین سبب بحران اخیر خاور نزدیک زمامداران ایران را در وضع بسیار دشواری قرارداد از یکسو مجبور شدند ظاهراً خود را طرفدار کشورهای عربی نشان دهند و از سوی دیگر تبلیغات خود را علیه سران مترقی جنبشهای رهایی بخش ملل عرب متوجه ساخته و باین شکل از اسرائیل و امپریالیستها دفاع نمودند، مراجعه کشور های عربی و شیوخ اسلامی برای قطع جریان نفت به کشورهایی که به اسرائیل کمک میکنند بدون نتیجه ماند، و این وضع ایران را در خاور نزدیک منفرد نمود و حتی از کشورهای همیمان خود مانند ترکیه و پاکستان جدا کرد. دولت نگذاشت که مردم بنفع ملت های عرب تظاهر کنند و حتی در مجلس سنا به سران مترقی کشور های عربی حمله شد، گوئی این اعراب هستند که بر سر میلیونها ساکنین کشور های عربی بمهای آتشزا و ناپالم ریختند و اینها هستند که خاک اسرائیل را تصرف کردند. حزب ما با این روش دولت ایران مخالف است و معتقد است که مردم کشور ما باید در این مبارزه یار و همکار ملت های عرب که برای قطع آخرین نفوذ

امپریالیسم در خاورمیانه مبارزه میکنند باشند و از همه نیرو های ملی و دموکراتیک کشور دعوت کرده است که برای کمک بملل عرب و مبارزه با نقشه های امپریالیستها متحد شوند و نگذارند که کشورهای امپریالیستی از کشور ما بماند، با نگاهداری علیه جنبشهای رهایی بخش ملی در خاور نزدیک استفاده نمایند.

مخبر روزنامه الاخبار گفت: اخیراً مطبوعات ایران با سرو صدای زیادی خبری در باره کشف یکی از مطابع مخفی حزب توده ایران منتشر کرده اند خواهشمندیم اگر ممکن است در این باره اطلاعاتی در اختیار خوانندگان ما بگذارید:

رفیق رادمش در پاسخ گفت: مدت است که در کشور ما هر گونه آزادی فردی و اجتماعی از مردم سلب گردیده است، اصول قانون اساسی ایران زیر پا گذاشته شده است و افزار های دمکراسی از مطبوعات گرفته تا مجالس ایران به عرصه لاف و گزاف گویان رژیم تبدیل شده و هر روز گروه های تازه از حزب ما و سایر نیرو های ملی و دمکراتیک بزندانها روانه میگردند و به محکومیت های سنگین محکوم میشوند، مطبعه ای که اخیراً باصطلاح مأمورین انتظامی کشف گردیده خود یک سند زنده فقدان آزادی بیان و قلم در کشور است و این نخستین مطبعه نیست که کشف میشود و آخرین نیز نخواهد بود.

حزب ما باین اقدامات ضددمکراتیک اعتراض میکند و همه نیرو های ملی و دمکراتیک را برای احیاء اصول قانون اساسی و سنن دمکراتیک آن دعوت میکند، حزب ما همانطوریکه ۲۵ ساله آن نشان میدهد در هیچ شرایطی فعالیت خود را تعطیل نخواهد کرد و تا پیروزی نهائی بمبارزه ادامه خواهد داد.

برای ابراز همدردی و همبستگی با خلق قهرمان ویتنام، بابتکار یکی از سازمانهای حزبی در مهاجرت جلسه ای با شرکت عده ای از اعضا حزب توده ایران، نمایندگان سازمان دانشجویان جمهوری دموکراتیک ویتنام و چند میهمان خارجی تشکیل گردید. نماینده بوزی کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن سخنرانی خود در این جلسه گفت: «سالیان دراز است که آتش جنگ تجاوزکارانه ای که یغماگران امریکائی در ویتنام برافروخته اند ادامه دارد. امپریالیستهای امریکائی باوجود نیروی هنگفت نظامی و متمرکز ساختن قوای عظیمی که با در نظر گرفتن ۵۰۰ هزار نفر لشکریان تحت فرمان حکومت سایگون و وابستگان امریکائی بالغ بر یک میلیون نفر میشود تاکنون کوچکترین موفقیتی در این جنگ رسوا بدست نیاورده اند. پایداری بی نظیر و مقاومت قهرمانانه خلق دلیر ویتنام، کلیه نقشه های را هزان امپریالیستی را نقش بر آب کرده است. سنای امریکا رسماً اعتراف نمود که ۸۰ درصد از خاک ویتنام جنوبی در دست جنگاوران آزادیبخش است. در کلیه عملیات نظامی، شیوه های جنگی که امریکائیان بکار برده اند، همواره باعدم موفقیت مواجه گردیده است و هیچگاه نیرو های آزادیبخش ملی در دام گنازانیرها و محاصره ها نیفتاده اند. نیروهای آزادیبخش ملی بنا به اراده خویش مجتمع میشوند، ناپدید میگردند، از نو در جای دیگر پدید میشوند و پس از وارد ساختن ضربات سخت بردشمن پراکنده میگردند. این نرمش و انعطاف نیرو های نجات بخش از آنجهت است که تمام خلق در این جنگ شرکت دارد. از سوی دیگر مردم جمهوری دموکراتیک ویتنام با قهرمانی بی نظیری در برابر بمبارانهای جنایتکاران امریکائی ایستادگی میکند و با موفقیت روز افزون به نیروی هوائی امریکا تلفات و لطامات شدیدی وارد میکنند. همین پایداری عظیم و دفاع قهرمانانه

است که بحق احترام عمیق و پشتیبانی کلیه خلق های جهان را بخود جلب نموده است. بدیهی است مردم ایران که خود برای رهایی از جنگال امپریالیست های امریکائی و انگلیسی مبارزه میکنند نمیتوانند نسبت به سر نوشت خلق دلاور ویتنام غلامند نباشند.

سخنران پس از اشاره به موارد مشخص پشتیبانی حزب توده ایران از پیکار عادلانه خلق ویتنام گفت: «مادر پیروزی مردم ویتنام در مبارزه آزادیبخش خود ذره ای تردید نداریم و با بی صبری تمام انتظار روزی را میکشیم که پرچم نصرت و پیروزی بر فراز تمام خاک ویتنام باهتزاز درآید. با انتظار آن روز فرخنده همه باهم در این آرزوی بزرگ. پیروز باد مبارزه خلق قهرمان ویتنام».

پس از پایان سخنرانی رفیق هوانگ وان نماینده سازمان دانشجویان جمهوری دموکراتیک ویتنام از برگزاری این جلسه تشکر نمود و گفت: «ما از آغاز تجاوز امریکا، پیروزی های زیادی بدست آورده ایم و با عزم راسخ نبرد خود را ادامه میدهم. ما خوب میدانیم که دموکراسی و اتحاد و صلح در ویتنام نه تنها برای مردم ویتنام بلکه برای تمام مردم جنوب شرقی آسیا اهمیت فراوان دارد. امریکائیا میگویند صلح را بپذیرید تا بمباران را قطع کنیم. معنی این صلح چیست؟ مگر میتوان زیر بمباران دشمن صلح را بپذیرفت؟ ملت ما زانو نخواهد زد، و تا امریکا را از خاک خود بیرون نکند باز نخواهد ایستاد. این روزها در هانوی پایتخت جمهوری دموکراتیک ویتنام مردم بمناسبت ساقط ساختن ۲۵۰ هواپیمای امریکائی جشن میگیرند اگر میتجاوزان هزاران هواپیما و میلیونها سرباز هم بفرستند باز ما خواهیم جنگید».

در خاتمه نطق، رفیق هوانگ وان از کشور های سوسیالیستی و دیگر نیروهای ترقیخواه جهان بخاطر کمکهای بیدر یغمان تشکر نمود.

بقیه از صفحه ۱

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران به اوتانت دبیر کل سازمان ملل متفق

بین المللی خود استفاده کنید و بدولت ایران تمهیداتی را یادآور شوید که به تکام امضای اعلامیه جهانی حقوق بشر در مورد احترام حقوق فردی و آزادیهای سیاسی بعهد گرفته است، یعنی همان نکاتی که در قانون اساسی کشور ما نیز مصرحاً ذکر شده و دولت ایران اجرای آنرا بقید قسم تضمین کرده است.

با توجه به جنبه غیر قانونی انتخابات ما نامه ای به مجلسین شورا و سنای ایران نوشته ایم و رونوشت آنرا برای دولت ارسال داشته ایم. ما در این نامه خواسته ایم که جریان کنونی انتخابات متوقف گردد و تدابیر قانونی مقدماتی و ابتدائی برای استقرار آزادیهای دمکراتیک اتخاذ شود تا مردم ایران بتوانند آزادانه اظهار نظر کنند و نمایندگان خود را در نهایت آزادی انتخاب نمایند.

ما از شما و همچنین از کمیسیون حقوق بشر خواهش داریم، با کلیه وسائلی که در اختیار دارید از این خواستهای حقه مردم ستمدیده ما حمایت کنید.

آقای دبیر کل در انتظار اینکه از اقدامات شما در نزد دولت ایران اطلاع یابیم احترامات فائمه ما را بپذیرید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

مدت ۱۵ سال است در کشور ما مستقر است. ما دیگر از شکنجه هایی که در شعب سازمان باصطلاح امنیت بر زندانیان اعمال میگردد و از احکام اعدام جا برانه و تبعید خلاف قانون زندانیان سیاسی به نواحی بد آب و هوا و کشتار ناپیش دهندگان بی سلاح در خیابانها و انواع فشار های دیگری که باعضاء خانواده های زندانیان سیاسی وارد میشود سخن نمیگوئیم. در یک چنین شرایط غیر دموکراتیک است که دولت ایران قصد دارد در چهارم اوت ۱۹۶۷ دست به انتخابات بزند.

موافق فرمان شاه مورخ ۱۳ مورخ ۱۹۶۷ انتخابات مجلسین و نیز انتخابات مجلس مؤسسان که باید یکبار دیگر قانون اساسی را بنفع شاه تغییر دهد و حق تعیین نایب السلطنه را از مجلس سلب نماید در یکروز اجرا میشود. لذا روشن است که در چنین شرایطی این

انتخابات که باید تمام اعمال غیر قانونی مرتکبه بزبان حقوق حقه مردم ایران (حقوقی که میهن پرستان و دموکراتهای ایرانی طی سال های انقلاب مشروطیت با ایثار خون خود بدست آورده اند) چهره قانونی بدهد، چیزی جز یک شعبه بازی نیست.

آقای دبیر کل شما خود میتوانید نگرانی و خشم عادلانه محافل دموکراتیک کشور ما را در برابر این صحنه سازی که آشکارا در جهت تشدید استبداد پلیسی و رژیم خودسری است درک نمائید. بهمین جهت حزب ما بمشابه نماینده زحمتکشان ایران بشما و بوسیله شما به کمیسیون حقوق بشر مراجعه مینماید و برضد این نقض های فاحش حقوق و آزادیهای مردم ایران اعتراض میکند.

ما از شما خواهشمندیم از شخصیت

مصدق است ممنوع هستند. عده کثیری از رجال و مبارزان که بجزریانات سیاسی تعلق دارند در زندان و تبعیدند و بیش از ۲۰ هزار نفر مجبور بجای وطن و پناهندگی در خارج شده اند تا خود را از تعقیب پلیس برهاند. این اشخاص از حق داشتن گذرنامه ایرانی محرومند و امکان بازگشت به میهن از آنها سلب گشته است. مطبوعات دموکراتیک ممنوع است و حتی نشریات مجاز زیر سانسور پلیس قرار دارد.

پلیس سیاسی که نام سازمان امنیت کشور (ساوک) بر خود نهاده است بخود حق میدهد در مورد اجراء تعقیب های سیاسی بی پروا کلیه ضمانت هایی که قانون اساسی کشور ما برای آزادی فردی قائل شده است (مانند مصونیت فردی اشخاص و اموال و مسکن) نقض کند.

حق داشتن و کیل منافع بنا بانتخاب خود از زندانیان سیاسی نه فقط در جریان بازجویی بلکه حتی در دوران دادرسی که معمولاً در دادگاههای در بسته نظامی اجرا میشود سلب است.

چنین است چهره رژیم ترور پلیسی که

پیرامون برخی مسائل جنگ و صلح و انقلابهای آزادیدبخش ملی

(از زاویه حوادث جهانی اخیر)

جهان منظره نگرانی آوری بخود میگردد . امپریالیسم جهانی خصالت تجاوزکارانه خود را با شدت و بیش از پیش بروز میدهد . تجاوزات بهکارانه آمریکا به ویتنام ادامه دارد . اسرائیل تحت حمایت محافل امپریالیستی با دستبرد راهزانه مناطقی از خاک کشور های عربی را اشغال کرده است و میکوشد این مناطق را در تصرف خود نگاهدارد . در یونان رژیم فاشیستی محافل نظامی حکمفرما است . استعمارگران انگلیسی جنبش آزادیبخش مردم عمان را به خون میکشند . در آلمان غربی نیروهای میلتاریست و تلافیجواز دعوی گستاخانه خود علیه جمهوری دموکراتیک آلمان و ازسایر دعاوی ارضی و مرزی دست بردار نیستند .

جهانی اول و بخصوص در جریان جنگ در کفرانسهایی سیمروالد و کینتال و غیره و نیز مجاهدات پیگیر اتحاد شوروی برای جلوگیری از دومین جنگ جهانی در صفحات تاریخ ثبت است . باوجود این اگر امروز نیز سلاح جنگی خصلت مخوف کنونی خود را نداشت مسئله جنگ و صلح با حدت کنونی آن مطرح نبود ولی سلاح هسته‌ای در تکنیک جنگی تحولات کیفی ایجاد کرده است . پیدایش سلاحهای هسته‌ای و موشکی و غیره به جنگ جهانی جدید خصلتی میدهد که هیچ انسان دارای عقل سالم نمیتواند حکم کند که چنین جنگی به انقلاب جهانی و به پیروزی سوسیالیسم کمک خواهد کرد و « آینده زیبا » به جامعه بشری نویسد خواهد داد .

امریکا ژنرال هائی که استفاده از سلاح هسته‌ای را در جنگها طلب میکنند و فکر پیشدستی در وارد ساختن ضربات هسته‌ای متمرکز آنها را « وسوسه » میکند آتقدیرها هم در اقلیت نیستند . چنین « وسوسه » ای ممکنست در یکی از لحظات پرتشنج نیرومندتر از « عقل » درآید . عنصری مانند گلدواتر که آشکارا سلاح هسته‌ای را سرخ میکشید از طرف حزب جمهوریخواهان آمریکا کاندید ریاست جمهوری آمریکا بود . اگر کشور های سوسیالیستی بسایروری از مشی خردمندانه و به نیروی مبارزه سرسخت و پیکر خود همزیستی مسالمت آمیز را به محافل امپریالیستی تمهیل نکنند و برای از بین بردن کانونهای تصادم محلی و کاهش و خلت بین‌المللی نکوشند و اجازه دهند که هر تصادم محلی به تصادم بزرگ بدل گردد بیشک جهان دورنمایی جز حریق هسته‌ای عالمگیر در پیش نخواهد داشت . کسانیکه به پیروی از تبلیغات گروه مائوتسه‌نود میاندانند تصادمات موضعی در هیچ شرایطی کار را بیجنگ هسته‌ای جهان منجر نخواهد ساخت سخت در اشتباهند . حوادث سالهای اخیر نشان میدهد که در دوران ما خطر تبدیل جنگهای موضعی به جنگ جهانی بسیار عظیم است و بخصوص اگر کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای در چنین جنگهایی وارد باشند و با یا کشورهای محارب بیمانهای نظامی داشته باشند خطر بکاربردن سلاح هسته‌ای جنبه بسیار جدی بخود خواهد گرفت . آلکسی کلسینکین نخست وزیر شوروی روز ۱۹ ژوئن سال جاری ضمن سخنرانی خود در اجلاس فوق‌العاده مجمع عمومی سازمان ملل متحد باصراحه اعلام کرد که : « امروز هیچکس تردید ندارد که اگر جنگ جهانی جدید در کیرد ناگزیر جنگ هسته‌ای خواهد بود » .

نقشه قبلی خود در باره تجاوز به کوبا منصرف شده بود . منتها برای سرخ نگاهداشتن صورت خود مسئله خروج موشک‌ها را بمیان میکشید . برای خروج از این بحران دو راه وجود داشت : یا میبایست راه جنگ جهانی را درپیش گرفت و با مسابقه درعرصه ماجراجوئی امپریالیسم بدل شد و یا با استفاده از امکانات جدیدی که در نتیجه ارسال موشک فراهم آمده بود بحران را از طریق مسالمت آمیز حل کرد و ضمن آن موجودیت کوبا و تکامل انقلاب آنرا نیز تضمین نمود .

خلاصه اینکه امپریالیسم که انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ضربت در هم شکن پرتسلط جهانی آن وارد ساخت و سپس در نتیجه پیروزیهای تاریخی سوسیالیسم « توسعه جنبش جهانی کارگری » انقلابهای آزادیبخش ملی » انزال سیستم جهانی استعمار و ستایش ملل از بندگانه مواضع خود را یکی پس از دیگری از دست داده و میدهد میخواهد به حکم قاطع تاریخ گردن نهد و به میل خود از صحنه تاریخ بدرود . امپریالیسم هر چندی یکبار به تلاش میآید تا شاید بتواند تسلط خود را هر جا ست است استوار سازد و هر جا از دست رفته است احیا کند .

جهانی جدید خصلتی میدهد که هیچ انسان دارای عقل سالم نمیتواند حکم کند که چنین جنگی به انقلاب جهانی و به پیروزی سوسیالیسم کمک خواهد کرد و « آینده زیبا » به جامعه بشری نویسد خواهد داد . متخصصین در باره عواقب احتمالی جنگ جهانی جدید نتیجه گیری های بسیار صریح کرده‌اند . مثلاً لایونس یولینگ دانشمند مترقی امریکائی در کتاب خود بنام « نسلود باذ جنگ » حساب کرده است که ۶۰ روز پس از شروع جنگ هسته‌ای از ۱۹۰ میلیون امریکائی ۱۷۰ میلیون نفر نسلود خواهند شد و ۱۵ میلیون نفر از آن اسبب جدی خواهند دید و تنها ۵ میلیون نفر ممکنست بالنتیبه سالم بمانند . طبیعی است که در مناطق دیگر جنگ جهانی نیز وضع از این بهتر نخواهد شد . تازه عواقب ظنی جنگ هسته‌ای یعنی مسومیت رادیو اکتیو نیز از گریبان « بازماندگان » جامعه بشری دست برخواهد داشت . البته نظام سرمایه داری و امپریالیسم جهانی در آتش این جنگ خواهند سوخت و از آنها جز نام نخواهد ماند . ولی هیچ عنصر ترقیخواهی چنین « آینده » ایرا برای انسانها نخواهد پسندید و راه ترقی و تعالی جامعه بشری را ازوادی چنین جنگی تجویز نخواهد کرد . در جنگ جهانی هسته‌ای تلوات میان جبهه و پشت جبهه بطور عمده و یا یکی از بین خواهد رفت .

پس خطر جنگ جهانی وجود دارد و عناصر افراطی هار و ماجراجو نظیر گلدواتر و غیره جنگ جهانی هسته‌ای را از حساب خود خارج نکرده‌اند و خطر آنها یعنی خطر جنگ جهانی با استفاده از سلاح هسته‌ای را بهیچوجه نباید شوخی گرفت .

ممنکست معترضانه گفته شود که در سورت بیکیگری کشورهای سوسیالیستی در مبارزه علیه جنگ جهانی امپریالیستها چه باید کرد ؟ جنگ جهانی امپریالیستها میتوانند در هر نقطه‌ای از جهان آزادانه به تجاوز دست بزنند و هیچ بیمی از مقابله اتحاد شوروی وسایر کشورهای سوسیالیستی نداشته باشند ، زیرا به « تجربه » دریافته‌اند که کشورهای سوسیالیستی از جنگ « پرهیز » دارند و بنابراین نیرو های تجاوزکار میتوانند با فرافعال به اجزای نقشه های توسعه‌طلبانه خود بپردازند و کشورهای سوسیالیستی را به « تسلیم » و « عقب نشینی » وادارند . ولی چنین اعتراضی در برابر واقیقات تبایستادگی نخواهد داشت . برای روشن شدن مطلب سه نمونه در نظر میگیریم :

در نتیجه همین تلاشها است که اخیراً کانونهای تشنج و جنگ در مناطق مختلف جهان افزایش یافته است . در این کردات حوادث تحلیل عینی مسائل « آزادی صبح و سمت گیدی سیاسی دقیق برای تمام سرنشینان کشتی من انقلابی آزادیبخش ملی ضرورت ویژه کسب میکنند .

دیر زمانی است که مسئله جنگ و صلح ترین و اساسی ترین مسئله دوران ما شناخته شده است . این مسئله قبل از دومین جنگ جهانی نیز اهمیت حیاتی داشت . حتی لنین سالها پیش خاطر نشان ساخته بود که جنگ جهانی بعلت آنکه در آن بهتاسی وسیع از دستاوردهای علمی و فنی برای کشتار میلیونها انسان استفاده میشود عواقب بیش از پیش هولناکی پدید خواهد آورد . لنین میگفت جنگ جهانی با چنین کیفیتی علاوه بر آنکه بزرگترین تبهکاری است ممکنست کار را به « ناپودی شرایط موجودیت جامعه بشری بکشاند » (جلد ۲۷ ، ص ۲۸۶) . لنین ضمن پیشبینی عواقب مهیب جنگ جهانی آینده میگوید :

ممنکست معترضانه گفته شود که در سورت بیکیگری کشورهای سوسیالیستی در مبارزه علیه جنگ جهانی امپریالیستها چه باید کرد ؟ جنگ جهانی امپریالیستها میتوانند در هر نقطه‌ای از جهان آزادانه به تجاوز دست بزنند و هیچ بیمی از مقابله اتحاد شوروی وسایر کشورهای سوسیالیستی نداشته باشند ، زیرا به « تجربه » دریافته‌اند که کشورهای سوسیالیستی از جنگ « پرهیز » دارند و بنابراین نیرو های تجاوزکار میتوانند با فرافعال به اجزای نقشه های توسعه‌طلبانه خود بپردازند و کشورهای سوسیالیستی را به « تسلیم » و « عقب نشینی » وادارند . ولی چنین اعتراضی در برابر واقیقات تبایستادگی نخواهد داشت . برای روشن شدن مطلب سه نمونه در نظر میگیریم :

ممنکست معترضانه گفته شود که در سورت بیکیگری کشورهای سوسیالیستی در مبارزه علیه جنگ جهانی امپریالیستها چه باید کرد ؟ جنگ جهانی امپریالیستها میتوانند در هر نقطه‌ای از جهان آزادانه به تجاوز دست بزنند و هیچ بیمی از مقابله اتحاد شوروی وسایر کشورهای سوسیالیستی نداشته باشند ، زیرا به « تجربه » دریافته‌اند که کشورهای سوسیالیستی از جنگ « پرهیز » دارند و بنابراین نیرو های تجاوزکار میتوانند با فرافعال به اجزای نقشه های توسعه‌طلبانه خود بپردازند و کشورهای سوسیالیستی را به « تسلیم » و « عقب نشینی » وادارند . ولی چنین اعتراضی در برابر واقیقات تبایستادگی نخواهد داشت . برای روشن شدن مطلب سه نمونه در نظر میگیریم :

دیر زمانی است که مسئله جنگ و صلح ترین و اساسی ترین مسئله دوران ما شناخته شده است . این مسئله قبل از دومین جنگ جهانی نیز اهمیت حیاتی داشت . حتی لنین سالها پیش خاطر نشان ساخته بود که جنگ جهانی بعلت آنکه در آن بهتاسی وسیع از دستاوردهای علمی و فنی برای کشتار میلیونها انسان استفاده میشود عواقب بیش از پیش هولناکی پدید خواهد آورد . لنین میگفت جنگ جهانی با چنین کیفیتی علاوه بر آنکه بزرگترین تبهکاری است ممکنست کار را به « ناپودی شرایط موجودیت جامعه بشری بکشاند » (جلد ۲۷ ، ص ۲۸۶) . لنین ضمن پیشبینی عواقب مهیب جنگ جهانی آینده میگوید :

ممنکست معترضانه گفته شود که در سورت بیکیگری کشورهای سوسیالیستی در مبارزه علیه جنگ جهانی امپریالیستها چه باید کرد ؟ جنگ جهانی امپریالیستها میتوانند در هر نقطه‌ای از جهان آزادانه به تجاوز دست بزنند و هیچ بیمی از مقابله اتحاد شوروی وسایر کشورهای سوسیالیستی نداشته باشند ، زیرا به « تجربه » دریافته‌اند که کشورهای سوسیالیستی از جنگ « پرهیز » دارند و بنابراین نیرو های تجاوزکار میتوانند با فرافعال به اجزای نقشه های توسعه‌طلبانه خود بپردازند و کشورهای سوسیالیستی را به « تسلیم » و « عقب نشینی » وادارند . ولی چنین اعتراضی در برابر واقیقات تبایستادگی نخواهد داشت . برای روشن شدن مطلب سه نمونه در نظر میگیریم :

ممنکست معترضانه گفته شود که در سورت بیکیگری کشورهای سوسیالیستی در مبارزه علیه جنگ جهانی امپریالیستها چه باید کرد ؟ جنگ جهانی امپریالیستها میتوانند در هر نقطه‌ای از جهان آزادانه به تجاوز دست بزنند و هیچ بیمی از مقابله اتحاد شوروی وسایر کشورهای سوسیالیستی نداشته باشند ، زیرا به « تجربه » دریافته‌اند که کشورهای سوسیالیستی از جنگ « پرهیز » دارند و بنابراین نیرو های تجاوزکار میتوانند با فرافعال به اجزای نقشه های توسعه‌طلبانه خود بپردازند و کشورهای سوسیالیستی را به « تسلیم » و « عقب نشینی » وادارند . ولی چنین اعتراضی در برابر واقیقات تبایستادگی نخواهد داشت . برای روشن شدن مطلب سه نمونه در نظر میگیریم :

ممنکست معترضانه گفته شود که در سورت بیکیگری کشورهای سوسیالیستی در مبارزه علیه جنگ جهانی امپریالیستها چه باید کرد ؟ جنگ جهانی امپریالیستها میتوانند در هر نقطه‌ای از جهان آزادانه به تجاوز دست بزنند و هیچ بیمی از مقابله اتحاد شوروی وسایر کشورهای سوسیالیستی نداشته باشند ، زیرا به « تجربه » دریافته‌اند که کشورهای سوسیالیستی از جنگ « پرهیز » دارند و بنابراین نیرو های تجاوزکار میتوانند با فرافعال به اجزای نقشه های توسعه‌طلبانه خود بپردازند و کشورهای سوسیالیستی را به « تسلیم » و « عقب نشینی » وادارند . ولی چنین اعتراضی در برابر واقیقات تبایستادگی نخواهد داشت . برای روشن شدن مطلب سه نمونه در نظر میگیریم :

زمانی خواهد رسید که جنگ آنچنان مخرب خواهد گشت که اقدام بان یکی غیر ممکن خواهد شد (از خاطرات کروسکیا ، در باره لنین ، ص ۴۰ - ۴۱) . این سخنان را لنین در حدود ۵۰ سال پیش یعنی در سال ۱۹۱۸ گفته است . از آنزمان تاکنون علم و تکنیک و بموزات آن تکنیک جنگی پیشرفت عظیم کرده است . پیدایش سلاحهای مخوف اتمی و هسته‌ای و موشکی و غیره خطر جنگ جهانی را صدفا و هزارها بار شدیدتر از ۵۰ سال پیش کرده است .

زمانی خواهد رسید که جنگ آنچنان مخرب خواهد گشت که اقدام بان یکی غیر ممکن خواهد شد (از خاطرات کروسکیا ، در باره لنین ، ص ۴۰ - ۴۱) . این سخنان را لنین در حدود ۵۰ سال پیش یعنی در سال ۱۹۱۸ گفته است . از آنزمان تاکنون علم و تکنیک و بموزات آن تکنیک جنگی پیشرفت عظیم کرده است . پیدایش سلاحهای مخوف اتمی و هسته‌ای و موشکی و غیره خطر جنگ جهانی را صدفا و هزارها بار شدیدتر از ۵۰ سال پیش کرده است .

زمانی خواهد رسید که جنگ آنچنان مخرب خواهد گشت که اقدام بان یکی غیر ممکن خواهد شد (از خاطرات کروسکیا ، در باره لنین ، ص ۴۰ - ۴۱) . این سخنان را لنین در حدود ۵۰ سال پیش یعنی در سال ۱۹۱۸ گفته است . از آنزمان تاکنون علم و تکنیک و بموزات آن تکنیک جنگی پیشرفت عظیم کرده است . پیدایش سلاحهای مخوف اتمی و هسته‌ای و موشکی و غیره خطر جنگ جهانی را صدفا و هزارها بار شدیدتر از ۵۰ سال پیش کرده است .

زمانی خواهد رسید که جنگ آنچنان مخرب خواهد گشت که اقدام بان یکی غیر ممکن خواهد شد (از خاطرات کروسکیا ، در باره لنین ، ص ۴۰ - ۴۱) . این سخنان را لنین در حدود ۵۰ سال پیش یعنی در سال ۱۹۱۸ گفته است . از آنزمان تاکنون علم و تکنیک و بموزات آن تکنیک جنگی پیشرفت عظیم کرده است . پیدایش سلاحهای مخوف اتمی و هسته‌ای و موشکی و غیره خطر جنگ جهانی را صدفا و هزارها بار شدیدتر از ۵۰ سال پیش کرده است .

زمانی خواهد رسید که جنگ آنچنان مخرب خواهد گشت که اقدام بان یکی غیر ممکن خواهد شد (از خاطرات کروسکیا ، در باره لنین ، ص ۴۰ - ۴۱) . این سخنان را لنین در حدود ۵۰ سال پیش یعنی در سال ۱۹۱۸ گفته است . از آنزمان تاکنون علم و تکنیک و بموزات آن تکنیک جنگی پیشرفت عظیم کرده است . پیدایش سلاحهای مخوف اتمی و هسته‌ای و موشکی و غیره خطر جنگ جهانی را صدفا و هزارها بار شدیدتر از ۵۰ سال پیش کرده است .

زمانی خواهد رسید که جنگ آنچنان مخرب خواهد گشت که اقدام بان یکی غیر ممکن خواهد شد (از خاطرات کروسکیا ، در باره لنین ، ص ۴۰ - ۴۱) . این سخنان را لنین در حدود ۵۰ سال پیش یعنی در سال ۱۹۱۸ گفته است . از آنزمان تاکنون علم و تکنیک و بموزات آن تکنیک جنگی پیشرفت عظیم کرده است . پیدایش سلاحهای مخوف اتمی و هسته‌ای و موشکی و غیره خطر جنگ جهانی را صدفا و هزارها بار شدیدتر از ۵۰ سال پیش کرده است .

زمانی خواهد رسید که جنگ آنچنان مخرب خواهد گشت که اقدام بان یکی غیر ممکن خواهد شد (از خاطرات کروسکیا ، در باره لنین ، ص ۴۰ - ۴۱) . این سخنان را لنین در حدود ۵۰ سال پیش یعنی در سال ۱۹۱۸ گفته است . از آنزمان تاکنون علم و تکنیک و بموزات آن تکنیک جنگی پیشرفت عظیم کرده است . پیدایش سلاحهای مخوف اتمی و هسته‌ای و موشکی و غیره خطر جنگ جهانی را صدفا و هزارها بار شدیدتر از ۵۰ سال پیش کرده است .

زمانی خواهد رسید که جنگ آنچنان مخرب خواهد گشت که اقدام بان یکی غیر ممکن خواهد شد (از خاطرات کروسکیا ، در باره لنین ، ص ۴۰ - ۴۱) . این سخنان را لنین در حدود ۵۰ سال پیش یعنی در سال ۱۹۱۸ گفته است . از آنزمان تاکنون علم و تکنیک و بموزات آن تکنیک جنگی پیشرفت عظیم کرده است . پیدایش سلاحهای مخوف اتمی و هسته‌ای و موشکی و غیره خطر جنگ جهانی را صدفا و هزارها بار شدیدتر از ۵۰ سال پیش کرده است .

زمانی خواهد رسید که جنگ آنچنان مخرب خواهد گشت که اقدام بان یکی غیر ممکن خواهد شد (از خاطرات کروسکیا ، در باره لنین ، ص ۴۰ - ۴۱) . این سخنان را لنین در حدود ۵۰ سال پیش یعنی در سال ۱۹۱۸ گفته است . از آنزمان تاکنون علم و تکنیک و بموزات آن تکنیک جنگی پیشرفت عظیم کرده است . پیدایش سلاحهای مخوف اتمی و هسته‌ای و موشکی و غیره خطر جنگ جهانی را صدفا و هزارها بار شدیدتر از ۵۰ سال پیش کرده است .

زمانی خواهد رسید که جنگ آنچنان مخرب خواهد گشت که اقدام بان یکی غیر ممکن خواهد شد (از خاطرات کروسکیا ، در باره لنین ، ص ۴۰ - ۴۱) . این سخنان را لنین در حدود ۵۰ سال پیش یعنی در سال ۱۹۱۸ گفته است . از آنزمان تاکنون علم و تکنیک و بموزات آن تکنیک جنگی پیشرفت عظیم کرده است . پیدایش سلاحهای مخوف اتمی و هسته‌ای و موشکی و غیره خطر جنگ جهانی را صدفا و هزارها بار شدیدتر از ۵۰ سال پیش کرده است .

زمانی خواهد رسید که جنگ آنچنان مخرب خواهد گشت که اقدام بان یکی غیر ممکن خواهد شد (از خاطرات کروسکیا ، در باره لنین ، ص ۴۰ - ۴۱) . این سخنان را لنین در حدود ۵۰ سال پیش یعنی در سال ۱۹۱۸ گفته است . از آنزمان تاکنون علم و تکنیک و بموزات آن تکنیک جنگی پیشرفت عظیم کرده است . پیدایش سلاحهای مخوف اتمی و هسته‌ای و موشکی و غیره خطر جنگ جهانی را صدفا و هزارها بار شدیدتر از ۵۰ سال پیش کرده است .

زمانی خواهد رسید که جنگ آنچنان مخرب خواهد گشت که اقدام بان یکی غیر ممکن خواهد شد (از خاطرات کروسکیا ، در باره لنین ، ص ۴۰ - ۴۱) . این سخنان را لنین در حدود ۵۰ سال پیش یعنی در سال ۱۹۱۸ گفته است . از آنزمان تاکنون علم و تکنیک و بموزات آن تکنیک جنگی پیشرفت عظیم کرده است . پیدایش سلاحهای مخوف اتمی و هسته‌ای و موشکی و غیره خطر جنگ جهانی را صدفا و هزارها بار شدیدتر از ۵۰ سال پیش کرده است .

زمانی خواهد رسید که جنگ آنچنان مخرب خواهد گشت که اقدام بان یکی غیر ممکن خواهد شد (از خاطرات کروسکیا ، در باره لنین ، ص ۴۰ - ۴۱) . این سخنان را لنین در حدود ۵۰ سال پیش یعنی در سال ۱۹۱۸ گفته است . از آنزمان تاکنون علم و تکنیک و بموزات آن تکنیک جنگی پیشرفت عظیم کرده است . پیدایش سلاحهای مخوف اتمی و هسته‌ای و موشکی و غیره خطر جنگ جهانی را صدفا و هزارها بار شدیدتر از ۵۰ سال پیش کرده است .

زمانی خواهد رسید که جنگ آنچنان مخرب خواهد گشت که اقدام بان یکی غیر ممکن خواهد شد (از خاطرات کروسکیا ، در باره لنین ، ص ۴۰ - ۴۱) . این سخنان را لنین در حدود ۵۰ سال پیش یعنی در سال ۱۹۱۸ گفته است . از آنزمان تاکنون علم و تکنیک و بموزات آن تکنیک جنگی پیشرفت عظیم کرده است . پیدایش سلاحهای مخوف اتمی و هسته‌ای و موشکی و غیره خطر جنگ جهانی را صدفا و هزارها بار شدیدتر از ۵۰ سال پیش کرده است .

زمانی خواهد رسید که جنگ آنچنان مخرب خواهد گشت که اقدام بان یکی غیر ممکن خواهد شد (از خاطرات کروسکیا ، در باره لنین ، ص ۴۰ - ۴۱) . این سخنان را لنین در حدود ۵۰ سال پیش یعنی در سال ۱۹۱۸ گفته است . از آنزمان تاکنون علم و تکنیک و بموزات آن تکنیک جنگی پیشرفت عظیم کرده است . پیدایش سلاحهای مخوف اتمی و هسته‌ای و موشکی و غیره خطر جنگ جهانی را صدفا و هزارها بار شدیدتر از ۵۰ سال پیش کرده است .

زمانی خواهد رسید که جنگ آنچنان مخرب خواهد گشت که اقدام بان یکی غیر ممکن خواهد شد (از خاطرات کروسکیا ، در باره لنین ، ص ۴۰ - ۴۱) . این سخنان را لنین در حدود ۵۰ سال پیش یعنی در سال ۱۹۱۸ گفته است . از آنزمان تاکنون علم و تکنیک و بموزات آن تکنیک جنگی پیشرفت عظیم کرده است . پیدایش سلاحهای مخوف اتمی و هسته‌ای و موشکی و غیره خطر جنگ جهانی را صدفا و هزارها بار شدیدتر از ۵۰ سال پیش کرده است .

پیرامون برخی مسائل جنگ و صلح و انقلابهای آزادبخش ملی

نماینده‌ی جمهوری دموکرات ویتنام... به مناسبت کمک‌های بزرگ وارزنده مردم شوروی، حزب کمونیست و دولت ایجاد شوروی به امر پیشرفت اقتصاد، تحکیم قدرت دفاعی جمهوری دموکراتیک ویتنام و پشتیبانی نیرومند آنان از بیکار آزادیبخش مردم ویتنام مراتب سپاسگزاری خود را ابراز میدارند. رفیق له‌زبان دبیر اول کمیته مرکزی حزب زحمتکش ویتنام ویتنام هنر سخنانی خود در کنگره ۲۳ حزب کمونیست اتحاد شوروی پس از قدرانی از کمکها و پشتیبانی مؤثر اتحاد شوروی از مبارزه آزادیبخش مردم ویتنام گفت: « برای ما کمونیستهای ویتنام دو وطن وجود دارد: یکی ویتنام و دیگری اتحاد شوروی. اینها فقط چند نمونه‌ی عادی از ارزایی نمایندگان خلق قهرمان ویتنام است.

کشورهای عربی نیز بکمک کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی برای مقابله با این تجاوز سالها تدارک دیده بودند. طبق گواهی مطبوعات جهان اتحاد شوروی بیش از ۲ میلیارد دلار تنها برای تقویت قدرت دفاعی جمهوری متحده عربی کمک کرده بود. ولی محافل جنگ طلب اسرائیل باتوسل به تزویر و شیوه های مصلحتانه و خدعه‌گرانه در همانحال که اطمینان میدادند به پیوجیه سرچنگ ندارند ناگهان دست به تجاوز زدند و توانستند موقتاً پیروزهای سریع بدست آورند.

نهایی خواهد رسید. حوادث اخیر خاور نزدیک برغم امپریالیستها روحیه انقلابی را در میان توده های مردم کشور های عربی بر مراتب قوی تر کرده و اراده آنها را برای نبل به پیروزی را سخ تر ساخته است. مواضع واقعی انقلاب در این کشورها محکمتر شده است. بطوریکه میدانیم بیکار آزادیبخش انقلابی از یک سلسله نبردها و رزمها تشکیل میشود. راه این بیکار سرراست نیست. فراز و نشیب دارد. کامیابی و نا کامی دارد. مبارزات واقعی حق ندارند تحت تأثیر عوامل موقت و زودگذر قرار گیرند.

سفارتخانه های کشور های عربی فرستاده و ضمن آن آمادگی خویش را برای پشتیبانی از اعراب علیه استعمار امپریالیسم و عمل اسرائیلی آن ابراز داشته اند. امپریالیسم و عمل اسرائیلی آن ابراز داشته اند.

علیرغم این ارزیابی های فصیح گاه خرده گیریهای متلا از این قبیل شنیده میشود که: « آری امپریالیسم آمریکا با ۵۰۰ هزار سرباز به ویتنام هجوم برده و هویماهایش خاک کشور سوسیالیستی ویتنام را بمباران میکنند. ولی اتحاد شوروی کمکهای خود را به ارسال ناچیز، اسلحه محدود کرده است. ما درباره حجم کمکهای مادی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی دیگر که هر سال به میلیاردها دلار تخمین زده میشود نیازی به تفصیل نداریم. این مطلب از خلال ارزیابی های عیدیه خود رهبران و نمایندگان بنام خلق ویتنام که غالباً در جرئت منعکس است بخوبی آشکار است.

البته در این مورد بطوریکه میدانیم غفلت ها و خطا های برخی از فرماندهان نظامی کشور های عربی شاید بیش از خدعه‌گرهای اسرائیل نقش داشته است و ما لازم نمیدانیم در این باره به تفصیل بپردازیم. ولی علیرغم این عوامل اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی وظیفه خود را در زمینه متوقف ساختن تجاوز تمام و کمال انجام دادند. اخطار جوی و پروتکل اتحاد شوروی و اقدامات مؤثر آن در سازمان ملل متحد و غیره این بار نیز مثل سال ۱۹۵۶ پیشرویی متجاوز را متوقف ساخت. تصور این امر دشوار نیست که اگر این مجاهدات اتحاد شوروی نیروی لاتین نیروهای اسرائیلی درجه تقاطعی مسکوف بودند. ولی اتحاد شوروی تنها به متوقف ساختن پیشروی متجاوز بسنده نکرد و به فعالیت مجدانه برای مافی ساختن عواقب تجاوز اسرائیل دست زد.

لئونید برژنف در سخنرانی روز ۵ ژوئیه همین مطلب را خاطر نشان ساخت و گفت: « ما از پشت این تریبون میخوانیم به دوستان عرب خود بگوئیم: مردم شوروی نیک میدانند که شما اکنون روز های دشواری را میگذرانید ولی بیکار آزادیبخش - بطوریکه تاریخ هر ملتی گواهی میدهد - تنها پیروزی وجود ندارد؛ ناکامیهای موقت هم هست. ولی این ناکامیها نمیتواند اراده مردمی را که با باکامی استوار راه آزادی و استقلال را در پیش گرفته‌اند درهم شکنند. این ناکامیها فقط عزم آنها را در مبارزه راسخ میسازد. دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی افزود که « آزادی ملی و اجتماعی امر حق است و بیخاطر آن نباید مجدانه در تحکیم کشور های از بندرسته و تقویت قدرت دفاعی آنان کوشید و همیشه برای دفع سانس تجاوز کارانه امپریالیسم آماده بود. »

اتحاد شوروی سیاست همزیستی مسالمت آمیز را اصل اساسی سیاست خارجی خود با کشور های امپریالیستی قرار داده و در اجرای آن صدیق و بیگبیر است. پیروزی از اصل لئینی همزیستی مسالمت آمیز هیچگونه تعارضی با پشتیبانی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی از انقلابهای آزادیبخش ندارد. لئونید برژنف در همان سخنرانی بخصوص خاطر نشان ساخت که: « اتحاد شوروی در عین اجرای سیاست همزیستی مسالمت آمیز قصد ندارد اعمال متجاوزین را غرض عین کند. محافل امپریالیستی باید این مطلب را جدا بخاطر بسپارند که اصل لئینی جنگهای عادلانه و غیر عادلانه اکنون هم به قوت خود باقی است و اتحاد شوروی در قبال هرگونه سانس جنگ افزوزان قاطع عمل خواهد کرد و از ملل مبارز راه آزادی و استقلال ملی پشتیبانی خواهد نمود. »

اما در مورد کمک مستقیم کشورهای سوسیالیستی بصورت اعزام نفرات، بطوریکه میدانیم این کشورها بنابر اعلام کرده اند که هر هنگام که جمهوری دموکراتیک ویتنام لازم بدانند آماده‌اند بیدرتنگ واحد های داوطلب خود را به ویتنام بفرستند. خود رهبران خلق ویتنام تاکنون کمک بدیصورت را بدلیل همین لازم ندیده و تقاضای در این زمینه مطرح نکرده اند. میتوان تردید نداشت که اگر دولت جمهوری دموکراتیک ویتنام و رهبران جبهه ملی آزادی ویتنام جنوبی چنین مطلبی را عنوان کنند اعزام نیروهای داوطلب از کشورهای سوسیالیستی کم و کاستی پیدا نخواهد کرد. ضمناً ناگفته نماند که یکی از مواضع اساسی در این راه خود مقامات رهبری جمهوری تودهای چین هستند.

الکسی کاسیگین ضمن سخنرانی خود در اجلاس فوق العاده مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلام کرد که: « اتحاد شوروی اشغال مناطقی را که توسط اسرائیل انجام گرفته برسمیت نمیشناسد و اگر دولت اسرائیل تجاوز را موقوف نکند و نیرو های خود را به پشت خط آتش پس عقب نکشد کشورهای سوسیالیستی و کابیه اقدامات لازم را برای کمک به ملل کشورهای عربی بعمل خواهند آورد تا این ملل بتوانند برای دفع متجاوز به مقابله قاطع برخیزند. حقوق حقه خویش را محفوظ دارند. اجاق جنگ را در خاور نزدیک خاموش سازند و صلح را در این منطقه احیا کنند. »

لئونید برژنف در همان ضیافت افسران فارغ التحصیل گفت: « ما میخوانیم باردیگر تا کید کنیم که متجاوز موظف است بساط خود را از خاک دیگران بیرون بکشد و خسارات وارده به ملل جمهوری متحده عرب، اردن و سوریه را جبران کند. این حکم آمرانه عدالت است. این حکم مردم شوروی و مردم شریف سراسر جهان است. »

صحت این سخنان را اتحاد شوروی همیشه با اقدامات مشخص خود در عمل نشان میدهد. ولی اتحاد شوروی همانطور که در قبال صدور ضد انقلاب با قاطعیت عمل میکند. صدور انقلاب را نیز بکلی مردود میداند و انقلاب را امر داخلی خود مردم هر کشور می شمارد. اگر در داخل کشوری شرایط عینی و ذهنی واقعی با محاسبه دقیق عوامل داخلی و خارجی برای انقلاب فراهم باشد اتحاد شوروی وسایر کشور های سوسیالیستی از کمک موثر به امر انقلاب آن کشور کوتاهی نخواهند کرد.

ویتنامی و کمکهای مؤثر اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی اکنون که چند سال از هاجم وحشیانه امپریالیسم آمریکا به ویتنام میگذرد امپریالیستها علیرغم تمام تلاشها و بکار انداختن ماشین جنگی عظیم خود نتوانسته‌اند هیچیک از هدفهای خود نائل شوند. لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی روز ۵ ژوئیه اسامیل ضمن سخنرانی خود در ضیافتی که با افتخار افسران فارغ التحصیل آکادمی های نظامی شوروی برپاشده بود گفت: « اکنون ۳- حوادث خاور نزدیک - اسرائیل و حامیان

این سخنرانی نیازی به تفسیر ندارد. اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی با دفاع مجدانه و پشتیبانی قاطع مادی و معنوی از ملل عربی بار دیگر وفاداری خود را به این ملل و بطور کلی به جنبش آزادیبخش ملی سراسر جهان در عمل نشان میدهند. میتوان تردید نداشت که اسرائیل چاره دیگری جز عقب نشستن و بازپس دادن مناطق اشغالی در کشور های عربی نخواهد داشت. بدینسان در این عرصه جنبش آزادیبخش ملی نیز نیروهای امپریالیستی به پیوجیه نتوانسته‌اند و نخواهند توانست بمقاصد اصلی خود یعنی سرکوب جنبش و سرنگون ساختن رژیم های مترقی و تحکیم تسلط خود نائل آیند. تغییر تناسب قوای جهانی ملل عرب تمام و سوسیالیسم انجام گرفته و میگیرد راه را بر نیرو های متجاوز در این منطقه سد میکند.

خود بمناسبت با یازدهمین سالروز انقلاب مصر در میان کف زندهای پر شور حاضران گفت: « اتحاد شوروی جانبدار ما است. از لحاظ سیاسی و اقتصادی ما کمک میکند در تقویت نیروهای مسلح ما مجاهدت میورزد. عبدالنار جای دیگر ضمن پیام به دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی میگوید: « خرسندم از این که... مراتب سپاسگزاری عمیق خلق جمهوری متحده عرب و شخص خود را بمناسبت موضعگیری دوستانه و کمک قاطع و مساعی عظیمی که در پشتیبانی از بیکار عادلانه خلق عرب... مینول داشته‌اید ابراز دارم... خلق ما بیکار خود را با عزم راسخ و ایمان کامل به پیروزی این بیکار و به ناکزیر بودن برانداختن عواقب تجاوز ادامه خواهد داد. »

اتحاد شوروی سیاست همزیستی مسالمت آمیز را اصل اساسی سیاست خارجی خود با کشور های امپریالیستی قرار داده و در اجرای آن صدیق و بیگبیر است. پیروزی از اصل لئینی همزیستی مسالمت آمیز هیچگونه تعارضی با پشتیبانی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی از انقلابهای آزادیبخش ندارد. لئونید برژنف در همان سخنرانی بخصوص خاطر نشان ساخت که: « اتحاد شوروی در عین اجرای سیاست همزیستی مسالمت آمیز قصد ندارد اعمال متجاوزین را غرض عین کند. محافل امپریالیستی باید این مطلب را جدا بخاطر بسپارند که اصل لئینی جنگهای عادلانه و غیر عادلانه اکنون هم به قوت خود باقی است و اتحاد شوروی در قبال هرگونه سانس جنگ افزوزان قاطع عمل خواهد کرد و از ملل مبارز راه آزادی و استقلال ملی پشتیبانی خواهد نمود. »

امپریالیستی آن سالهاست که علیه کشورهای ازبندرسته عرب مقاصد تجاوز کارانه ای تعقیب میکنند. هدف آنها عبارتست از سرنگون ساختن رژیم های جمهوری متحده عرب و سوریه و سایر کشورهای عربی که با مبارزه قاطع خود در راه تحکیم استقلال ملی و تأمین ترقی و تملی ملل خویش راه رشد غیر سرمایه داری را در پیش گرفته و مورد کینه شدید امپریالیستها هستند. کشور های عربی با این مبارزه برای جنبش آزادیبخش ملی ضد استعمار مردم کشور های همسایه خویش نیز زمینه مساعی بوجود میاورند و منافع سیاسی و اقتصادی و نظامی امپریالیسم بویژه منافع نفتخواران جهانی را سخت به خطر میاندازند. در تجاوز اخیر اسرائیل نیز همین هدف تعقیب میشد. برای این تجاوز اسرائیل و حامیان امپریالیستی اش سالها تدارک دیدند و میلیاردها دلار صرف کرده بودند.

اکنون که از حوادث خاورمیانه مدتی گذشته است وقتی بگذشته مینگریم با اطمینان کامل میتوانیم بگوئیم که روش اتحاد شوروی در روز های بحرانی خاور نزدیک کاملاً صحیح بود و این کشور همراه با سایر کشورهای سوسیالیستی وظیفه انترناسیونالیستی خود را در قبال جنبش آزادیبخش ملی عرب تمام و کمال انجام دادند. اتحاد شوروی وسایر کشورهای سوسیالیستی برای دفاع از آزادی و استقلال ملل عرب راه خرمندانه را برگزیدند. تجاوز متوقف شد و نباید تردید داشت که کشورهای عربی خاک خود را از اسرائیل پس خواهند گرفت. چند ماه دیرتر و زودتر دراصل مطلب یعنی در عظیم ماندن کامل نقشه های امپریالیستی هیچگونه تأثیر اساسی نمیتواند داشته باشد. اسرائیل و حامیان امپریالیستی آن بیهود خود نرسیدند و با وجود تناسب جدید قوای جهانی هرگز هم نخواهند رسید. ولی جنبش آزادیبخش ملل عرب به پیروزی

نهایی خواهد رسید. حوادث اخیر خاور نزدیک برغم امپریالیستها روحیه انقلابی را در میان توده های مردم کشور های عربی بر مراتب قوی تر کرده و اراده آنها را برای نبل به پیروزی را سخ تر ساخته است. مواضع واقعی انقلاب در این کشورها محکمتر شده است. بطوریکه میدانیم بیکار آزادیبخش انقلابی از یک سلسله نبردها و رزمها تشکیل میشود. راه این بیکار سرراست نیست. فراز و نشیب دارد. کامیابی و نا کامی دارد. مبارزات واقعی حق ندارند تحت تأثیر عوامل موقت و زودگذر قرار گیرند.

سفارتخانه های کشور های عربی فرستاده و ضمن آن آمادگی خویش را برای پشتیبانی از اعراب علیه استعمار امپریالیسم و عمل اسرائیلی آن ابراز داشته اند. امپریالیسم و عمل اسرائیلی آن ابراز داشته اند.

نامه سرگشاده کمیته مرکزی به مجلسین شورا و سنا

قشرها و حتی افراد مشخصی از جامعه ما و اکثر ابریزان طبقات و قشرهای زحمتکس وضع میشوند بلکه همین قوانین و مقررات ماهیتاً غیربرابر نیز بطور یکسان درباره همه اشخاص رعایت نمیگردد. کمی میتواند علیرغم واقعات مدعی شود که در کشور ما کارگر و کارفرما، دهقان و مالک از نظر اجراء قوانین یک چشم دیده میشوند و مراجع دولتی و دادگستری درباره شکایات هر یک از آنان بطور برابر رسیدگی میکنند؛ تبعیضاتی که در کلیه ادارات و مؤسسات دولتی بر اساس زد و بندها شروه گیرها، رفاقتها و بویژه سفارشهای مقامات عالی دولتی انجام میگردد بسرحشای رسیده است و گمان نبرود برای اثبات آن احتیاج باقاهه حجت و بینه باشد.

این تجاوزات و نابرابریها در مورد حقوق سیاسی و اجتماعی بازهم برجسته تر است. یکی از حقوق مسلمه سیاسی مردم ایران آزادی اجتماعات است که در اصل ۲۱ متمم قانون اساسی بقرار زیرین تصریح گردیده است: «انجمنها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخجل نظم نباشد در تمام مملکت آزاد است ولی مجتمعی با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مقرر میکند باید متابعت نمایند. اجتماعات در شوارع و میدانهای عمومی هم باید تابع قوانین نظمی باشد».

لا بد توجه دارید که طبق این اصل هیچگونه حقی برای دولت و مجلسین در باره تفکیک اجتماعات و انجمنها بر اساس عقیده سیاسی و اجتماعی شناخته نشده است و محدودیت هائی که تصریح شده است صرفاً جنبه انتظامی دارد. بنابراین واضح است که حتی قانونی که مجلسین میباید طبق این اصل درباره احزاب و اجتماعات وضع نمایند (وظیفه مهمی که هنوز پس از ۶۰ سال از تاریخ تصویب متمم قانون اساسی همچنان در بوته اجمال مانده است) فقط مربوط به تعیین «ترتیبات» شرایط و مقرراتی است که باید حاکم بر تشکیل و اداره انجمنها و احزاب و اجتماعات گردد و نمیتواند شامل هیچگونه محدودیت عقیده ای و سیاسی باشد.

از طرف دیگر بنا بر همین اصل هیچگونه اختیاری بدولت در مورد جلوگیری و ممنوع ساختن احزاب و اجتماعات و تفکیک آنها بر حسب عقاید و نظریات سیاسی و اجتماعی تفویض نگردیده است. تنها حقی که طی این اصل بدولت داده شده اینست که مقررات اجتماعات و نمایندهای مردم را در «شوارع و میدانهای عمومی» معین نماید یا بعبارت دیگر قانون اساسی نمایش و اجتماع مردم را در کوچه و خیابان بخودی خود مجاز شمرده ولی بدولت اختیار داده است که برای تنظیم آنها مقررات و قواعدی وضع نماید.

اکنون بواقیاتی که در کشور ما حکمفرماست توجه کنیم و به بینیم این اصل مهم آزادی و دمو کراسی در مین ما چگونه اجرا میشود. از طرفی هنوز هیچگونه قانون و مقرراتی در باره احزاب و اجتماعات

و تقییش را «بجز در مورد کتب ضلال و مواد مضره بدین مین» ممنوع ساخته است، دولت از کلیه مطبوعات و انتشارات مخالف خود عملاً سلب حق نموده و بوسیله سازمان امنیت و شهربانی در امور آن مطبوعاتی هم که مجاز شمرده شده است مداخله میکند. بهمین سبب است که احزاب و سازمانهای ملی و دمکراتیک ایران مجبورند با نظریات و عقاید سیاسی و اجتماعی خود را در خارجه چاپ و منتشر سازند و یا با قبول انواع مخاطرات جانی و مالی مخفیانه بچاپ و انتشار عقاید خود بپردازند. بنابراین مقدمات ملاحظه میشود که کلیه آزادیهای عمده سیاسی: آزادی عقیده، آزادی بیان، آزادی قلم، آزادی اجتماعات بوسیله رژیم که از ۱۰ سال پیش تا کنون در کشور ما استقرار یافته منسوخ شده و حکومت استبدادی و ضد آزادی جانشین حکومت ملی و دمکراتیک گردیده است.

در چنین اوضاع و احوالی است که زمان انتخابات دوره ۲۲ مجلس شورا، دوره پنجم مجلس سنا و حتی انتخابات مجلس باصطلاح مؤسسانی که مأمور تغییر در اصول ۳۸ و ۴۱ و ۴۳ قانون اساسی و سلب اختیار تعیین نایب السلطنه از مجلسین است، صادر میگردد و یکبار دیگر مردم ایران باید ناظر صحنه سازی فجعی باشند که بی پروا بنام مشروطیت حقوق دمکراتیک را از ملت سلب میکند.

آقایان نمایندگان! انتخابات بمعنای خواستن رأی آزاد از مردم است و بنابراین مستلزم اختیار رأی دهندگان در انتخاب همین عقاید سیاسی و اجتماعی مختلف و اشخاصی است که باید نماینده افکار و نظریات مورد پسند انتخاب کنندگان باشند. تصدیق دارید که چنین اختیاری نمیتواند بدون آزادی عقیده، آزادی احزاب و اجتماعات، آزادی تبلیغ، آزادی مطبوعات و غیره وجود خارجی داشته باشد و لذا هر انتخابی که در حالت سلب این آزادیها جریان یابد نه تنها فاقد ارزش قانونی است بلکه برخلاف رأی ملت و ماهیتاً مخدوش است. از این گذشته مداخلات آشکار دولت و مأمورین آن در انتخابات بحدی است که حتی کسانی که باوجود این شرایط حاضر برای رأی دادن هستند اطمینان ندارند که رأی آنها خوانده شود و واقعاً بحساب آید. حق هم با آنهاست زیرا نه نمایندگان و معتمدین آنها بر جریان انتخابات نظارت دارند و نه انجمن نظار تعیین شده یارای مقاومت در برابر مداخلات و تضییقات سازمان امنیت و سایر مأموران دولتی دارد.

بدیهی است چنین حکومتی هر قدر هم مدعی اصلاحات اجتماعی کشور شود و واقعاً هم قصد داشته باشد قدمی در راه مردم بردارد چون حاضر نیست سیاست و روش خود را در معرض افکار عمومی ملت قرار دهد و به پشتیبانی آراء مردم مستظهر گردد ناگزیر حکومتی تحمیلی و غیر دموکراتیک تملقی میگردد و در نقطه مقابل مردم قرار میگردد. تجربه همه ملت های جهان نشان داده است که هیچ اقدام اصلاحی و هیچ تحول اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بدون پشتیبانی مردم به نتیجه مطلوب نمیرسد و افکار عمومی را بزور سرنیزه و سازمان امنیت، بزور اعدام و زندان و تبعید و درفش نمیتوان بسیج نمود. بنابراین مسلم است که

پایه واقعی هر گونه تحول و پیشرفت اجتماعی در کشور ما احترام واقعی به آزادیهای دموکراتیک و اجراء بی خدشه اصولی است که فوآذ کر شد، اصولی که بدون آن نه دمو کراسی وجود دارد و نه تحول و پیشرفت امکان پذیر خواهد بود.

بنابراین مقدمات روشن است چرا حزب توده ایران از هم اکنون انتخابات دوره ۲۲ مجلس شورا، دوره پنجم مجلس سنا و همچنین انتخاباتی را که باید تحت عنوان مجلس مؤسسان جریان یابد بغير قانونی، مخدوش و عاری از اعتبار بشمارد و کسانی را که به نمایندگی این مجلس تعیین میگرددند، ولو اینکه از لحاظ شخصی موجه باشند، نمایندگان ملت ایران نمیشناسد.

ما پیشنهاد میکنیم که جریان انتخابات مجلس ۲۲، مجلس سنا و مؤسسان متوقف گردد و تا هنوز دوره ۲۱ مجلس منقضی نشده است قانون احزاب و اجتماعات طبق اصل ۲۱ متمم قانون اساسی بتصویب مجلسین برسد، قانون انتخابات طبق اصول دموکراتیک و بر اساس حزبی و نسبی آراء و نظرات مشترک و مستقیم نمایندگان احزاب بر تمام جریان انتخابات اصلاح گردد، قانونی مبنی بر عفو عمومی و آزادی کلیه زندانیان سیاسی بتصویب برسد، آزادی و فعالیت کلیه احزاب، سازمانها و انجمنها، اعم از هر عقیده سیاسی و مسلک اجتماعی که دارند و همچنین آزادی مطبوعات در حدود مقررات قانون اعلام گردد، رسیدگی بجرایم سیاسی و مطبوعاتی طبق قانون اساسی ایران به محاکم دادگستری احاله شود و مداخلات سازمان امنیت و محاکم استثنائی نظامی در این مورد ممنوع گردد. تبلیغات انتخابی طبق موازین و مقررات قانونی برای همه کس و برای کلیه احزاب و سازمانها آزاد شود. فقط آنکاه که چنین محیط سالم دموکراتیکی بوجود آید میتوان از انتخابات بمعنای واقعی کلمه سخن گفت و کوشید تا نمایندگان واقعی مردم به پارلمان فرستاده شوند. مسلماً چنین پارلمانی میتواند از حمایت و پشتیبانی مردم برخوردار باشد و امکان واقعی یابد تا در راه پیشرفت و تحول اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کشور ما گامهای مهمی بردارد.

جامعه ما تشنه تحولات بنیادی است و نخستین گام مهم در این راه ایجاد چنین محیط دموکراتیک است.

آقایان نمایندگان! شما در برابر مسئولیت خطیری قرار دارید و چون بهر جهت کرسیهای پارلمان را اشغال نموده اید ناگزیر چنین مسئولیت های سنگینی را نیز بعهده گرفته اید. ملت ایران شمارا نماینده خود نمیداند ولی این بان معنی نیست که شما نمیتوانید با اقدامات خویش در زمینه آزادیهای دموکراتیک گامهایی در جهت خواسته های واقعی مردم ایران بردارید. شما طبق اصل یازدهم قانون اساسی سوگند یاد کرده اید که «بحقوق ملت ایران خیانت ننمائید» و هیچ منظوری نداشته باشید «جز فوآذ و مصالح دولت و ملت ایران». بنابراین موظفید که اصول مصرحه در قانون اساسی و متمم آن را درباره حقوق و آزادیهای ملت ایران محترم شمارید و در برابر هر گونه تجاوزی که باین حقوق میشود ایستادگی نمائید. ملت ایران ناظر اقدامات شما و قاضی عدلی در مورد اعمال و رفتار شماست. کمیته مرکزی حزب توده ایران

بانگ خویش را در دفاع از خلق قهرمان ویتنام رساتر کنیم

جریان کنفرانس جهانی استکهلم برای دفاع از خلق ویتنام

بهمان اندازه که دامنه تجاوز امپریالیسم آمریکا در ویتنام گسترش میابد مبارزه مردم جهان در دفاع از خلق قهرمان ویتنام در برابر این تجاوز نیز تشدید میگردد. مردم جهان بیش از پیش درک میکنند که در ویتنام نه فقط سرنوشته ملتی که جز استقلال و آزادی خود چیزی نمیخواهد، مطرح است، بلکه صلح جهانی و حق حیات و برخورداری از آزادی عدالت برای همه خلقهای جهان نیز در معرض تهدید جدی قرار گرفته است.

اکنون علاوه بر سازمانهای مترقی و دموکراتیک در سراسر جهان، بسیاری از سازمانهای سیاسیستی و همچنین سازمانهایی که بطور خاص برای استقرار صلح در ویتنام تشکیل شده و سازمانها و احزاب لیبرال و دمکرات هر یک بشکلی فعالیت خود را برای دفاع از خلق ویتنام در برابر تجاوز امپریالیستهای آمریکایی متمرکز کردهاند. ولی درک این واقعیت که جنبش دفاع از ویتنام را باید گسترش داد و آنرا یک جنبش واقعا توده‌ای تبدیل کرد، لزوم اینکه بخشهای مختلف این جنبش باید کار خود را هماهنگ کنند و یک دیگر کمک و نیرو دهند، این فکر را بیش از پیش تقویت کرد که باید از تمام افراد سازمانهایی که مخالف جنگ تجاوز کارانه آمریکا در ویتنام هستند مجمعی تشکیل شود و این مجمع به بحث و تبادل نظر آزاد درباره یافتن راههای کمک هر چه مؤثرتر به مردم ویتنام و همچنین به اعمال فشار به امپریالیستهای آمریکایی و دستیاران آنها برای پایان دادن به تجاوز بپردازد. این فکر سرانجام به ابتکار «جامعه صلح وادوری سوئد» که یک سازمان قدیمی سیاسیستی است، بصورت تشکیل کنفرانس استکهلم در باره ویتنام در فاصله ۶ تا ۹ ژوئیه ۱۹۶۷ عملی گردید.

کنفرانس جهانی

تاکنون کنفرانسها و مجامع گوناگون و متعددی در باره ویتنام تشکیل شده ولی هیچکدام جنبه جهانی نداشته است. کنفرانس استکهلم درباره ویتنام برای نخستین بار خصیلت جهانی داشت و این واقعیت را میتوان از ترکیب شرکت کنندگان در کنفرانس دریافت.

در کنفرانس استکهلم بیش از ۴۳۰ نفر بطور مستقل و یا بنامندگی از جانب یک سازمان شرکت داشتند. از این عده ۳۷ نفر بعنوان ناظر شرکت کرده بودند. ۲۱ سازمان بین‌المللی، ۲۰ سازمان قاره ای و بیش از ۲۲۰ سازمان کشوری از ۶۸ کشور به کنفرانس نماینده فرستاده بودند. در کنفرانس کمونیستها، سوسیالیستها، لیبرالها، دمکراتها، مسلمانان و بوداییها بنامندگی افکار اجتماعی، سیاسی و مذهبی گوناگون - نمایندگان پارلمان، نویسندگان، هنرمندان، دانشمندان، معلمان و روزنامه نگاران بعنوان نمایندگان مشاغل مختلف و کارگران، زنان، دانشجویان، جوانان و روحانیان بمثابه مظهر طبقات و قشرهای گوناگون اجتماع شرکت داشتند. علاوه بر این عده زیادی از شخصیتهای معروف از

جمعه کریشنا منون وزیر سابق دفاع هند و همکار دوست نزدیک نهر و مارتین نی مولر اسقف بزرگ پرتستان در آلمان غربی، پرفسور میدرال جامعه‌شناس سوئدی، پیر کوت نماینده مجلس فرانسه، ایزابل بلوم مبارز صلح بلژیکی و همچنین وزیر ارتباطات سوئد در کنفرانس حضور داشتند.

نکته جالب دیگر اینکه هیئت نمایندگی ایالات آمریکا با ۳۵ نفر عضو بنامندگی از جانب ۱۹ سازمان اجتماعی بزرگترین هیئت نمایندگی در کنفرانس بود و این خود مقاومت روز افزون مردم آمریکا را بر ضد سیاست تجاوز کارانه دولت جاسون نشان میداد.

کنفرانس کار

کنفرانس استکهلم هدفش فقط ابراز همبستگی با خلق ویتنام نبود. کنفرانس بویژه و بطور عمده بحث و تبادل نظر درباره یافتن راهها و اشکال جدید مبارزه بر ضد سیاست تجاوز کارانه آمریکا در ویتنام و کمک مشخص به خلق ویتنام پرداخت. بهمین جهت بلافاصله پس از گشایش کنفرانس نمایندگان به کمیسیونها و گروههای کار تقسیم شدند و بحث و تبادل نظر در باره جنبه‌های مختلف مسئله ویتنام پرداختند. بدینسان کنفرانس از نظر موضوع کار به هشت کمیسیون:

قوانین بین‌المللی و جنگ در ویتنام - چهره جنگ - مبارزه برای استقلال و پیشرفت - ابتکارات واقعی و ابتکارات خدعه آمیز در باره صلح - انفراد روز افزون ایالات متحده در جهان - کمک مادی به ویتنام - هماهنگ کردن فعالیتها، جنگ ویتنام و صلح جهانی. و از نظر مشاغل شرکت کنندگان به هفت گروه: فعالین سندیگائی، نمایندگان پارلمان، دانشمندان، پزشکان و معلمان، نویسندگان، هنرمندان و روزنامه نگاران، زنان، جوانان و دانشجویان و روحانیان تقسیم گردید.

هر یک از این کمیسیونها و گروههای کار در پایان کنفرانس پیشنهادهای مشخص خود را به جلسه عمومی برای توصیه به همه افراد و سازمانهایی که برای استقرار صلح در ویتنام مبارزه میکنند ارائه داشت.

بدینسان بود که نتیجه کار کنفرانس بسیار ثمر بخش شد. قبل از همه و مهمتر از همه کنفرانس تصمیم گرفت یک « کمیته ادامه کاری » برای برقراری ارتباط بین سازمانهایی که در کنفرانس شرکت کرده‌اند و همچنین برای برقراری تماس با همه افراد و سازمانهایی که به شکلی از اشکال و بدرجات مختلف برای خاتمه دادن به جنگ ویتنام علاقه و آمادگی نشان میدهند و بمنظور ایجاد یک جنبش واقعا توده‌ای در دفاع از خلق ویتنام تشکیل دهد. این خود گام بزرگی بود که جنبش را وارد مرحله نوینی کرده است. پیشنهادهای مشخص بسیاری نیز ارائه گردید که عملی کردن آنها میتواند به جنبش اولاً

خصیلت توده‌ای بدهد و ثانیاً برای خلق ویتنام کمک عملی، جدی و مؤثری باشد. از جمله جمعی آوری امضا از همه مردم جهان بر ضد جنگ تجاوز کارانه آمریکا در ویتنام، میتینگها و تظاهرات در روزهای معین، استفاده از فیلم و مطبوعات، مسافرت شخصیتهای برجسته به آمریکا برای بحث با مردم آمریکا، ترتیب ملاقات بین نمایندگان سازمانهای اجتماعی آمریکا با سازمانهای مشابه از جمله بانامندگان مردم ویتنام، ساختن یک بیمارستان در کامبوج برای مردم ویتنام، اعزام یک کشتی حامل دارو به ویتنام، جمع آوری کمک مالی و غیره.

توافق کامل بر سر راه حل مسئله ویتنام

واقعیت اینست که تا قبل از کنفرانس استکهلم بین افراد و سازمانهایی که البته با عقاید و انگیزه‌های گوناگون برای پایان دادن به جنگ ویتنام مبارزه میکنند، توافق کامل وجود نداشت. این عدم توافق بویژه بر سر چگونگی حل مسئله ویتنام و شرایط مذاکره برای استقرار صلح بروز میکرد. تجربه مبارزات چند ساله، گسترش بحث و تبادل نظر بین افراد و سازمانها که شکل کامل آن در کنفرانس استکهلم صورت گرفت، سرانجام منجر بتوافق کامل بر سر اساسی‌ترین مسائل گردید، و این یکی از بزرگترین موفقیتهای کنفرانس بود. کنفرانس به این نتیجه رسید که تنها راه حل واقعی و عادلانه برای حل مسئله ویتنام مذاکره بر اساس قرارداد ژنو است. و بعنوان شرط اولیه برای هر گونه مذاکره‌ای نیز بمباران ویتنام شمالی قطع گردد و وجهه آزادی بخش ویتنام جنوبی بعنوان یکی از عناصر اصلی شرکت کنندنده در مذاکره از طرف آمریکا و دولت ویتنام جنوبی برسمت شناخته شود.

همبستگی مردم ایران با خلق ویتنام

همبستگی مردم ایران با خلق قهرمان ویتنام از ماهیت مبارزه‌ای که این هردو ملت برای آزادی و استقلال خود میکنند سرچشمه میگردد. متأسفانه رژیم دیکتاتوری بهمان اندازه و همان شکل که از مبارزه آزادی بخش مردم ایران جلو گیری میکند، مانع ابراز همبستگی

هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین‌المللی مکتوبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهادهای خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 4176

**Stockholm 4
Sweden**

مردم ایران با خلق ویتنام نیز هست. ولی مردم ایران نیز بهمان اندازه و همان شکل که در این شرایط دشوار برای آزادی و استقلال خود بیکار میکنند، از هر گونه امکان و فرصتی نیز برای ابراز همبستگی خود با خلق ویتنام استفاده میکنند. بویژه حزب ما در پیشاپیش مردم ایران از تمام مسائل تبلیغاتی و تشکیلاتی خود برای آگاه ساختن افکار عمومی مردم ایران از ماهیت سیاست تجاوز کارانه امپریالیسم آمریکا در ویتنام و بیکار قهرمانانه و عادلانه خلق ویتنام و تشویق و تجهیز آنها برای شرکت فعال در جنبش دفاع از خلق ویتنام استفاده میکند. حزب ما با توجه به امکانات محدود خود حتی از کمک مادی (پول و دارو) نیز دریغ نکرده است. بر همین اساس از فرصت تشکیل کنفرانس استکهلم نیز استفاده شد و نماینده جوانان توده ایران در این کنفرانس شرکت کرد تا بیان کننده همبستگی مردم ایران با خلق ویتنام باشد. نماینده جوانان توده ایران در چندین کمیسیون و بویژه در کمیسیون «ابتکارات واقعی و ابتکارات خدعه آمیز در باره صلح» شرکت کرد. وی در این کمیسیون ضمن سخنرانی خود لزوم ایجاد یک جنبش واقعا توده‌ای در سراسر جهان و قبل از همه در کشورهایی که دولتهای آن مستقیم و غیر مستقیم از جنگ تجاوز کارانه ویتنام پشتیبانی میکنند اشاره کرد و پیشنهادهای شخصی در این زمینه داد. نماینده جوانان توده ایران در گروه کار «جوانان و دانشجویان» نیز شرکت فعال داشت. در این گروه که نمایندگان بیش از ۲۵ سازمان بین‌المللی و ملی جوانان و دانشجویان شرکت داشتند نماینده جوانان توده ایران بصورت کمیسیون تنظیم قطعنامه انتخاب شد.

تردید نیست که هم وضع ما دشوار است و هم امکانات ما کم. ولی با این همه میتوان و باید با مبارزه بردشوارها غلبه کرد و از امکانات موجود حداکثر استفاده را نمود و دائماً در جستجوی امکانات تازه بود تا مردم ایران نیز بتوانند بیش از پیش همبستگی خود را با خلق ویتنام نشان دهند و در جنبشی که در دفاع از خلق ویتنام بوجود آمده و روز بروز برعمق و دامنه آن افزوده میشود سهم شایسته خود را ادا کنند. موقع آنست که بانگ خویش را دفاع از خلق قهرمان ویتنام رساتر کنیم.

قابل توجه علاقمندان

به نشریات توده

علاقمندان به نشریات توده‌ای از این پس میتوانند کمک مادی خود را به نشانی زیر ارسال دارند:

شماره حساب بانکی

**Sweden
Stockholm,
Stockholms Sparbank
1265-5**